

همدستی زن جوان با مرد آشنا برای قتل شوهرش



گاز گرفتگی بیاید و از خانه خارج شدم. روز بعد هم زن جوان با پاپلیس و اورژانس تماس گرفت و مدعی گاز گرفتگی و مرگ شوهرش شد. در حالی مرد جوان به قتل اعتراف کرد که متخصصان پزشکی قانونی نیز علت مرگ را مسمومیت با دارو اعلام کردند. به دستور باز پرس شعبه اول دادرسی امور جنایی پایتخت متهمان به اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت منتقل شده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

در ادامه تحقیقات مرد جوان به قتل همکارش به خاطر حسادت اعتراف کرد. او در رابطه با جنایت گفت: کلید خانه را از همسرش گرفتم و شب قبل او به بهانه دیدن مادرش، خانه را ترک کرد. نیمه شب، در حالی که مقتول خواب بود وارد خانه شدم و به او داروی بی‌هوشی با مقدار زیاد تزریق کردم. مدتی در خانه ماندم و وقتی مطمئن شدم که فوت کرده است، شیلنگ اجاق گاز را بریدم تا به نظر

ساختمان خارج شده است. این ورود و خروج در شبی رخ داده بود که به نظر می‌رسید آرش بر اثر گاز گرفتگی جان‌ش را از دست داده بود. به دستور باز پرس جنایی زن و مرد جوان بازداشت شدند. این بار زن جوان کیوان را عامل قتل شوهرش معرفی کرد و گفت: کیوان در ظاهر با شوهرم دوست صمیمی بود، اما در باطن بشدت به او حسودی می‌کرد.

چند روز قبل از جنایت، به صورت اتفاقی زمانی که قصد داشتم به محل کارم بروم، کیوان را کنار خیابان دیدم او مرا به محل کارم رساند. نمی‌دانم چطور او کلید خانه را از کیفم برداشته بود که من متوجه نشدم. شب حادثه هم که به خانه مادرم رفتم، او از فرصت استفاده کرده بود و همسرم را به قتل رسانده بود.

دو ادعا برای قتل
دو ادعا برای قتل مرد جوان به مدارکی که در تحقیقات بدست آمده بود، از کیوان به عنوان عامل جنایت تحقیق شد. مرد جوان ابتدا منکر قتل شد اما در ادامه گفت: با مقتول اختلاف داشتم، همه او را دوست داشتند. با اینکه من و او همکار بودیم اما حقوق او بیشتر از من بود همکارانم جور دیگری بر او برخورد می‌کردند. همه اینها باعث شده بود به او حسودی کنم و دلم می‌خواست از او انتقام بگیرم. در رفت و آمدهایی که به خانه‌اش داشتم، رابطه‌ام با همسرش صمیمی تر شد و متوجه شدم که او نیز دلخوشی از شوهرش ندارد. حسادت من و اختلاف همسرش باعث شد که رابطه مان بیشتر شود. در نهایت تصمیم به قتل او گرفتم.

جانب وی رویه‌رو شدند. زن جوان در ادعای جدیدی گفت: تصور می‌کنم همسرم دست به خودکشی زده باشد. او این اوایل دچار افسردگی شده بود و صحبت از خودکشی می‌کرد. احتمالاً خودش با بریدن شیلنگ اجاق گاز به زندگی‌اش پایان داده است.

دو مظنون برای قتل
در حالی که وی چنین ادعایی داشت، اما بررسی‌ها نشان می‌داد مرد جوان کاملاً سالم و در حالت طبیعی بوده و هیچ مشکل روحی و مالی نداشته است. اما در ادامه مشخص شد وی با همسرش اختلافات خانوادگی زیادی داشته است. اختلافی که توانست انگیزه‌ای برای قتل باشد.

بدین ترتیب زن جوان به صورت نامحسوس زیر نظر گرفته شد و بررسی‌ها نشان می‌داد وی با یکی از همکاران شوهرش به نام کیوان در تماس بوده است. شب قبل از حادثه نیز، با این مرد تماس گرفته و با هماهنگی او، خانه را ترک کرده است.

نام کیوان نیز به عنوان دومین مظنون پرونده در لیست مأموران نوشته شد و تحقیقات نشان می‌داد که کیوان با مقتول بر سر مسائل کاری اختلاف شدیدی داشته است. کارآگاهان در شایعه دیگری از تحقیقات: به بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف خانه مقتول پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که ساعت یک باامداد کیوان با کلید وارد ساختمان محل زندگی مقتول شده و حدود ساعت ۵ صبح از

گروه حوادث - راز قتل مرد جوان در حالی پس از ۳ ماه فاش شد که عاملان جنایت سعی داشتند با سناریوی گاز گرفتگی و خودکشی مسیر تحقیقات را منحرف کنند.

بهمن سال گذشته زن جوانی با پلیس تماس گرفت و از مرگ شوهرش در خانه خبر داد. بدنبال اعلام این خبر تحقیقات آغاز شد و همسر این مرد به پلیس گفت: من به خانه پدرم رفته بودم و شب خانه خودمان نبودم قرار بود امروز صبح همسرم بدنالم بیاید و بعد از خوردن صبحانه مرا به محل کارم برساند. اما وقتی خبری از او نشد، چندین بار با تلفن همراهش تماس گرفتم که جواب نداد با تلفن خانه تماس گرفتم باز هم پاسخگو نبود. نگران شدم و به خانه آمدم اما به محض ورود متوجه بوی گاز شدیدی شدم بعد هم در اتاق خواب جسد همسرم را دیدم. وقتی به دنبال علت بوی گاز بودم متوجه شدم شیلنگ اجاق گاز پاره شده است.

در حالی که زن جوان چنین ادعایی داشت، به دستور باز پرس محسن اختیاری، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای بررسی بیشتر ماجرا وارد عمل شدند. اما بررسی شیلنگ گاز نشان داد علت پارگی پوسیدگی نبوده است بلکه حدود یک ماه قبل قتل متوجه شده بود و با یک برش عرضی و عمودی پاره شده است. بدین ترتیب فرضیه گاز گرفتگی و حادثه رنگ باخت و تحقیقات روی موضوع قتل متمرکز شد.

این بار کارآگاهان در تحقیق از همسر مرد جوان با سناریوی دیگری از

دختر معتاد مادر خود را به قتل رساند؛ او بعد از ۵ سال بخشیده شد

جوانی که می‌خواست فضانورد شود، سابقه دار شد

می‌دیدند. ممکن نبود مالباخته درگیر ششودم من هم برای خلاصی از دستش گاهی هلش می‌دادم که این کار خطر قتل داشت. اما سرقت ماشین راحت بود و استرس کمتری داشت.

بعد از سرقت با ماشین ما چه می‌کردید؟

کار ما بیشتر سرقت لوازم ماشین بود. گاهی ماشین را همانجایی که پارک بود خالی می‌کردیم. گاهی ماشین را می‌بردیم و بعد که چیزهای به درد بخور می‌کردیم.

چطور دستگیر شدی؟

دوست دخترم که با یک باندهمدستی می‌کرد دستگیر شد و من را هم لو داد. **دوران بیچگی تو چطور گذشت؟**

برای من داشتن ماشین رازهای می‌کردیم. **چرا سرقت ماشین را دوست داشتی؟**

من عاشق فضا هستم و دوست داشتم فضانورد شوم؛ اما دزد شدم. دلم می‌خواست با سفینه سفر می‌کردم به کسره ماه و جاهای دیگر فضا. بچه که بودم خیلی‌ها می‌گفتند نابغام. از بچگی مسائل ریاضی رو حل می‌کردم، در کامپیوتر هم خیلی خوب بودم و همه می‌گفتند در آینده آدم موفق می‌شوم اما کارم به اینجا کشید.

بله. سابقه سرقت ماشین داشت. برای همین با هم مواد مخدر مصرف می‌کردیم. آزاد که شدم با دوست دخترم موادمی زدیم و می‌رفتم سرقت.

وقتی موادمی زدی چه حالی داشتی؟

مواد که می‌کشیدم رفتم روی ایرها. از طرفی زمان اولین سرقت، سه شب نخوانیده بودم و وقتی دوست دخترم پیشنهاد داد بروم سرقت ماشین قبول کردم. دوست دخترم با یک گروه دیگر کاری می‌کرد.

یعنی تو را به آن گروه معرفی کرد؟

نه آن شب بعد از مصرف گفت سرقت ماشین راحت است و بعد هم در موردش برام توضیح داد و گفت این فوت و فن سرقت ماشین است.

چه شد که قبول کردی؟

چون مواد زده و متوهم بودم قبول کردم و با او رفتم سرقت. **دفعه اول به خاطر مواد بود دفعات بعد هم تحت تاثیر مواد سرقت می‌کردی؟**

بعد از آن خوشم آمد. احساس کردم سرقت ماشین راحت تر است.

یعنی چی راحت تر است؟

سرقت موایبل خطر داشت. مردم

گروه حوادث - پسری جوان که دوست داشت فضانورد شود، شیوه مناسبی را برای رفتن روی ایرها انتخاب نکرد و در نهایت به اتهام سرقت خودرو و دزدیدن لوازم داخل خودرو دستگیر شد.

این پسر جوان هنوز ۳۰ سالش نشده اما سوابق متعدد مجرمانه را در کارنامه خود ثبت کرده است. در ادامه گفت و گو با این متهم را که به تازگی دستگیر شده است، می‌خوانید:

سابقه چه جرمایی را داری؟

قبل از این، سابقه سرقت گوشی داشتم و الان هم که سرقت ماشین و لوازم داخل خودرو.

یعنی الان به خاطر سرقت ماشین دستگیر شده‌ای؟

بله. بعد از آزادی با دوست دخترم یک جور مواد مخدر صنعتی مصرف می‌کردم و می‌رفتم سرقت ماشین.

کی آزاد شدی؟

مدت زیادی نیست. این سری یک هفته بعد از آزادی با دوست دخترم شروع به خلاف کردم.

دوست دخترت هم خلافکار است؟

مادرم مدام با من درگیر بود.

وی درباره آخرین درگیری با مادرش گفت: ۲۷ اسفند سال ۹۷ بود که بار دیگر با هم درگیر شدیم. من در حال قلیان کشیدن بودم که مادرم بساط قلیان را شکست و به سمتم حمله کرد و نزدیک بخاری روی زمین افتاد و من بلافاصله بخاری را خاموش کردم و این آخرین دعوی ما با هم بود. من ضربه کشنده ای به او زدم و اتهام قتل را قبول ندارم.

در پایان جلسه قضات وارد ششور شدند و با توجه به مدرک های موجود در پرونده لیلا را به قصاص محکوم کردند.

گذشت از قصاص پیش از ۵ سال

حکم قصاص در شعبه ۴۱ عالی عنان کشور تایید شده بود که دختر جوان توانست رضایت پدر بزرگ، مادر بزرگ و برادرش را جلب کند و به زندگی برگردد.

باین ترتیب از جنبه عمومی جرم در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.

وی وقتی رویه روی قضات ایستاد گفت: باور کنید من به قصد قتل به سر مادرم ضربه ای زدم. او مدام با من درگیر بود و حتی می‌خواست با جاقو مرا بزند. من هرگز راضی به مرگش نبودم و او ناخوشه کشته شد.

وقی در حالی که سرش را پایین انداخته بود گفت: در مدت ۵ سالگی که در زندان هستم عذاب زیادی کشیدم. من اعتماد را کنار گذاشتم و به زندگی عادی برگشتم. حالا از قضات دادگاه تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند تا زودتر آزاد شوم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی وی را به ۱۰ سال زندان با احتساب روزهای بازداشت محکوم کردند.

اعلام کرد.

با اعلام نظر پزشکی قانونی برادر لیلا و پدر بزرگ و مادر بزرگش علیه وی شکایت کردند و گفتند او مادرش را به قتل رسانده است. با این شکایت، لیلا بازداشت شد و در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران در حالی پای میز محاکمه ایستاد که آنها درخواست قصاص را مطرح کردند.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه، برادر لیلا و پدر بزرگ و مادر بزرگش برای وی حکم قصاص خواستند.

وقتی لیلا در جایگاه ویژه ایستاد، جرم را انکار کرد. وی گفت: چند ماه قبل از این ماجرا پسر همسایه ما با من طرح دوستی ریخت و مرا فریب داد. او به بهانه ای مرا به خانه شان کشاند و آرام داد. به همین دلیل در همین شعبه دادگاه از او شکایت کردم و پسر همسایه به تبعید و شلاق محکوم شد.

وی ادامه داد: چون هفت سال قبل پدرم و من و مادرم را ترک کرده بودم و من و مادر بیمارم مجبور بودیم با هم پیگیر پرونده باشیم. ما هر روز به دادگاه می‌آمدم و پیگیر پرونده بودیم. اما یک روز در حال بازگشت از دادگاه، مادرم زمین خورد و سرش آسیب دید. همین موضوع باعث شد تا حال او بدتر شود. مادرم به بیماری فراموشی مبتلا شد. او مشکل روانی داشت. حتی یک بار دست به خودکشی زده بود. من چندین بار از خانه و دایه هایم کمک خواستم اما آن‌ها هیچ کمکی به من نکردند.

از این وضعیت خسته شده بودم به همین دلیل مادرم را رها کردم و به ارومیه رفتم. اما او با من تماس گرفت و از من خواست تا به تهران برگردم. من که دلم برای مادر بیمارم سوخته بود به تهران برگشتم اما

گروه حوادث - دختر معتاد که در درگیری با مادر معتادش وی را

کشته بود با جلب رضایت اولیای دم از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. هشتم فروردین ماه سال ۹۸ دختر جوانی به نام لیلا با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و از مرگ مادر ۶۰ ساله اش به نام زینبا خبر داد. مأموران پلیس بلافاصله به خانه این مادر و دختر در جنوب تهران رفتند و با جسد زن سالخورده رویه رو شدند.

لیلا به مأموران گفت: مادرم از بیماری فراموشی رنج می‌برد. او روزانه تعداد زیادی قرص مصرف می‌کرد و به همین دلیل بسیار پر خاشاکر شده بود. به همین علت من و مادرم مدام با هم درگیر بودیم. آن روز مادرم عصبانی شده بود که از آشپزخانه جاقو را برداشت و به سمت حمله کرد. من برای دفاع از خودم او را هل دادم که سرش با دیوار برخورد کرد. او را رها کردم و به سمت ترانس رفتم تا قلیان بکشم اما مادرم بار دیگر با جاقو به سراغم آمد و بساط قلیان را به هم ریخت و با جاقو به پا و شکمم زد که سطحی زخمی شدم.

وی ادامه داد: سعی کردم او را آرام کنم اما نشد. او می‌خواست مرا از خانه بیرون کند. به همین دلیل از خانه بیرون رفتم. من قبل از خروج از خانه دیدم از پیشانی مادرم خون جاری شده است. چون داروهای مادرم تمام شده بود به چند داروخانه سر زدم و بعد از چند ساعت توانستم داروهایش را بگیرم. اما وقتی به خانه برگشتم کسی در باز نکرده من که نگران مادرم شده بودم با آتش نشانی تماس گرفتم و بعد از باز کردن در با جسد مادرم رویه رو شدم و پلیس را خبر کردم.

درخواست حکم قصاص

در حالی که تحقیقات پلیس نشان می‌داد این مادر و دختر به شیشه معتاد بودند پزشکی قانونی علت فوت را ضربه مغزی و خونریزی

نیازمندی‌ها

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندی‌های روزانه جزیره کیش

مفقودی

اپلیکیشن خدماتی

پیرایشگاه

استخدام

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۰۵۳۰/۰۱
به نام هیوا ملک محمدی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

دوست‌تم
اپلیکیشن خدماتی کیش
غذا، مارکت، خرید، دلیوری و...
www.Dustam.com
۰۹۹۶۶۷۷۳۳۳۷

پیرایش علیرضا
ارائه جدیدترین متد روز
خدمات پوست و مو آقایان

استخدام منشی عصر ساکن کیش
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می‌نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۰۵۳۱/۰۱
به نام لیلی بلادی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

حمل بار

نشانی: جزیره کیش، فاز A، پارک
مینا، مجتمع خدماتی پارسیان، غرفه ۱۵
۰۹۱۲۸۶۳۹۱۷۹ - ۰۹۳۴۷۶۸۳۱۷۹

استخدام منشی صبح ساکن کیش
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می‌نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۵۲۳۶/۰۱
به نام منصوره غلmani نظام مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

متقاضی رهن و اجاره

خشکشویی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۵۵۵۴/۰۱
به نام راضیه علیمردادی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

خیاطی

متقاضی رهن و اجاره
یک خوابه
در نوبنیاد

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۲۴۰۱/۰۱
به نام عباس جداری حسن پور مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

خیاطی حبیبی
بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱
۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸

شماره تماس:
۰۹۳۶۷۹۶۹۴۴۱

با مدیریت عسکری
۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸

صنایع چوب
کلید سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

حلاج کیش